

عنصر تبلیغ در پیکره دین

موضوع تبلیغ برای هر مکتب، مذهب، حزب و گروه در طول تاریخ از اهمیت فوق العاده‌ای برخوردار بوده، و بزرگترین نقش را در معرفی، نشر، حفظ و حراست اصول مبانی آنها و پیروانشان ایفا کرده است.

بدون تردید، اگر مبلغان توانا و زبردستی به تبلیغ و ترویج اصول و مبانی مکتب هماهنگ با زمان نپردازند، استمرار آن اصول و مبانی از ضمانتی برخوردار نخواهد بود و از مکتب و پیروان آن، جز آثاری در اوراق تاریخ باقی نخواهد ماند. اگر مکتب و مرامی در جهان نوانسته است حضورش را در صحنه‌های بین‌المللی یا منطقه‌ای حفظ کند و آثار و پیروانی داشته باشد، وجود جایگاه بلند عنصر تبلیغ، در آن مکتب و مرام بوده که آنها را دارای نقش نموده و از زوال و نابودی نگاهداشته است.

به عنوان نمونه: مسیحیت کنونی با این که از نظر منطق و محتوا قدرت چندانی در مقابله با شبهه‌ها و اشکالاتی که از ناحیه دیگران متوجه آن می‌شود، ندارد، ولی سر این که توانسته است در صحنه‌های افکار و عقائد و مجامع جهانی حضور خود را حفظ کند و به حیات خود ادامه دهد و در عین حال در اندیشه و تسخیر محدوده‌های دیگری از جهان باشد، به خاطر توجه و اهمیت کلیساها و مبشرین مسیحیت به تبلیغ و استفاده آنان از این سلاح و شیوه‌های پیشرفته آن بوده است.

و اگر مکاتب و گروه‌های بسیاری

را در لابلای اوراق تاریخ مطالعه می کنیم، ولی در جامعه بشری و صحنه های افکار و عقائد جهانی جای خالی آنها را شاهدیم و نمود عینی و خارجی ندارند، بازمی توان گفت یکی از عوامل مهم و اساسی زوال آنها نداشتن برنامه صحیح تبلیغی بوده است. و به تعبیر دیگر: همان گونه که قلب انسان مرکز و محور اصلی حیات شریانه های وجود انسان است و مسئولیت پمپاژ خون را به تمام اعضاء و مویرگهای بدن را به عهده دارد و توسط این عمل قلب است که بدن از عوارض امراض، ضعف و ناتوانی مصون مانده و به صورت موجودی قوی و پرتحرک به حیات خود ادامه می دهد، وجود عنصر تبلیغ در مکتب نیز، نقش همان قلب را در حیات مکتب ایفا می کند که با انجام درست وظیفه تبلیغ، باعث حیات معنوی و سبب حضور مکتب در معادلات فرهنگی، اجتماعی و حفظ مکتب و پیروان از خطر التقاط و افسردگی و غفلت زدگی می گردد و حیات پویا و مستمر مکتب را به صورت همگام و هماهنگ با زمان و شرایط و مقتضیات آن تضمین می کند.

امروزه، عملاً در صحنه های بین المللی و عرف سیاسی، تئوری ارزشی تبلیغ در نظامهای سلطه، به ثبوت رسیده است، به گونه ای که سرزشت هر کشور و نظامی، تا حدود زیادی، تحت تأثیر روند عمومی تبلیغات و تصمیمات استکبار جهانی است. در عصر حاضر، یک کشور انقلاب کرده و تازه از دام سلطه جهانی

رهیده، قبل از این که از ناحیه دشمنان خود، مورد هجوم نظامی و یا محاصره اقتصادی قرار بگیرد، مورد حمله تبلیغاتی و روانی آنان قرار می گیرد. و اکنون بر جهان این اصل سیاسی حاکم است که: ملتها و انقلابهایی که بر اساس اهداف عالی و دست یافتن به ارزشهای والایی قیام کرده و به پیروزی رسیده اند، باید از نظر روانی شکست داد، تا احساس حقارت و خود کم بینی بکنند و روحیه و توان مقابله با سیاستها و ترفندهای جناح مخالف و ضد انقلاب را از دست بدهند و نتوانند ارزشهایی را که برای آن انقلاب کرده اند، پاس بدارند. این سیاست، از ناحیه استکبار جهانی، بیش از ۱۰ سال است که نسبت به انقلاب اسلامی ایران به کار گرفته شده و می شود.

بنابراین، هر مکتب و مذهبی برای شناساندن و پاسداری از اصول و مبانی خود، نیاز به تبلیغ دارد. همچنین برای حفظ پیروان و تقویت بنیه معنوی و آگاهی آنان و جذب دیگران، پیامی گویی به شبهات و اشکالاتی که پیش می آید، جلوگیری از انحرافات و بدعتها و حضور در صحنه جهانی و بین المللی احتیاج مبرم به اهرم تبلیغ دارد.

اهمیت عنصر تبلیغ در اسلام

برای درک اهمیت و جایگاه عنصر تبلیغ در یک مکتب، نخست باید جهان بینی و رسالت و محدوده ای که آن مکتب برای گسترش خویش

در نظر دارد، شناخته و روشن شود. در این صورت است که که اهمیت تبلیغ و تبلیغات در آن مکتب مشخص خواهد شد.

اگر جهان بینی و رسالت یک مکتب، محدوده خاصی داشته باشد، قهراً شعاع پیام رسانی و تبلیغ در آن مکتب، محدود و در نهایت، از اهمیت و ارزش کمتری برخوردار خواهد بود، اما اگر جهان بینی و رسالت یک مکتب، جهانی باشد، محدوده تبلیغ آن نیز جهانی است.

اسلام دینی است جهانی، از این روی اهمیت زیادی به امر تبلیغ و مبلغ داده است:

«... ومن احسن قولاً ممن دعا الى الله وعمل صالحاً.»

کيست نيكوتر از آن کسی که به سوی خدا مردم را بخواند و کردار نیک انجام دهد.

مرحوم طبرسی در ذیل آیه شریفه، در تفسیر مجمع البیان، می نویسد:

«... وفي هذه الاية دلالة على ان الدعوة الى

الدين من اعظم الطاعات واجل الواجبات...»

آیه شریفه، دعوت و تبلیغ دین را از بزرگترین طاعتها و مهمترین واجبات الهی شمرده است.

در این زمینه، در متون اصلی دین و سیره عملی پیامبر (ص) و ائمه معصومین (ع) مطالب و شواهد فراوانی وجود دارد که این مقاله درصدد بیان آن نیست.

مفهوم تبلیغ در اسلام

تبلیغ، از واژه هایی است که مانند بسیاری از مفاهیم زیبا و پرمحتوا در عرف مردم و در صحنه های سیاسی، اجتماع و... دچار سرنوشت شومی شده است.

امروزه متأسفانه، عکس آن معنی و رسالتی که در آن نهفته و تحمل آن را دارد، از آن برداشت می شود، از این روی، لازم و ضروری است که کلمه «تبلیغ» را از این برداشتهای گوناگون و ناقص و... رها ساخته و جایگاه شایسته و بایسته آن را باز یابیم.

«ابلاغ» و «تبلیغ» در لغت به معنای «رساندن» و «رسانندگی» است، ولی در فرهنگ اسلام، آنچه از این واژه منظور بوده و هست، بیش از رساندن صرف پیام است، بلکه باید ابلاغ مبین: «ما علی الرسول الا البلاغ المبین» صورت بگیرد. پیام، رسا و گویا و متناسب با فرهنگ هر عصر باشد، تا در دلها و

اندیشه ها نفوذ نماید. قید «مبین» که در این آیه شریفه و در دیگر آیات، بیشتر، با «ابلاغ» آمده شاهد گویایی است بر این مدعا؛ زیرا باید محتوای پیام که همان دستورات و احکام شریعت است، برای مکلفی که می خواهد بدان جامعه عمل بپوشد و در روز واپسین در مورد انجام و یا عدم انجام آن مورد بازخواست قرار بگیرد، به گونه ای روشن بیان گردد، تا حجت بروی تمام گشته و عذری برای او باقی نماند.

با توجه به مفهومی که تبلیغ در فرهنگ اسلام

دارد و نیز رسالت جهانی اسلام و نقشی که تبلیغ در جهت ایفای این رسالت دارد، اسلام به امر تبلیغ بسیار توجه نموده، از آن جمله: جای دادن عنصر تبلیغ در پیکره دین، به این معنی که اسلام در قالب عبادت‌های شبانه روزی: (نماز جماعت) و هفتگی (نماز جمعه) و سالیانه (مراسم حج) و نماز عیدین، که در طول سال، انجام می‌پذیرد و نیز مناسبت‌های مختلفی که با از همان صدر اسلام وجود داشته و یا این که در طول تاریخ حیات اسلام، در جریان‌ات حساس و در راه تکمیل و گسترش اسلام اتفاق افتاده است و به عنوان ایامی با قداست و عظمت در مکتب و اعتقاد پیروان شناخته شده و بر بزرگداشت آن تأکید گردیده است، مانند:

ماه مبارک رمضان، ماه محرم، اعیاد و قیامات بزرگان دین، اینها همه مناسبت‌هایی است که اسلام بدان توصیه و ترغیب کرده است، تا تبلیغ دین، همواره به صورت مستمر و زنده پا برجا باشد و این حضور خود را در صحنه‌های زندگی بشر حفظ نماید و از زوال و نابودی مصون گردد و وعده خداوندی: «أَنَا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَأَنَا لَه لَحَافِظُونَ» تحقق یابد.

اینک پس از ذکر این مقدمه، جایگاه تبلیغ در اسلام را از این بعد مورد بررسی قرار می‌دهیم و به بیان عنصر تبلیغ در پیکره دین می‌پردازیم:

مساجد مراکز تبلیغ

از دیدگاه قرآن کریم و روایات مأثوره از

نبی اکرم «ص» و ائمه معصومین «ع»، مساجد از ارزش و عظمت خاصی برخوردارند. در بسیاری از آیات قرآن، مسلمانان به تکریم و احترام مساجد دعوت شده‌اند و برای تعطیل مسجد و تخریب آن عذاب‌های سختی در نظر گرفته شده است. قرآن، عمارت مسجد را حق مؤمنان و پاسداری از حریم مقدس مساجد را ضروری و یکی از دلائل تشریح جهاد و پاسداری از حریم مساجد دانسته است. پیامبر اکرم «ص»، پس از هجرت از مکه مکرمه به مدینه، اولین اقدامی که انجام دادند، تأسیس مسجد بود. و خود در ساختن مسجد به علی «ع» و جمعی از صحابه کمک می‌کردند.

پیامبر اسلام «ص» و ائمه معصومین «ع» از مسجد، به عنوان محبوب‌ترین مکانها، خانه خدا، خانه پیر و پیشگان... یاد کرده و بر تأسیس مسجد، آباد ساختن مساجد، رفتن به مساجد، حضور داشتن در مساجد، رفت و آمد به مساجد، نماز در مساجد و... تشویق و تأکید ورزیده‌اند.

فلسفه و حکمت این همه تأکید و اهمیت برای چیست؟ آیا صرفاً بدین جهت است که مساجد مکانی است برای دعا و نیایش و برگزاری نماز؟ و یا این که علاوه بر آن، مساجد، نقش دیگری در جامعه دارند؟ که باعث این همه تشویق‌ها و تأکیدها شده است.

مسجد در میان مسلمانان، از اولین روزی که تأسیس شد، تنها مرکز دعا و نیایش و نماز نبود، بلکه همراه با نماز، در نشر فرهنگ غنی اسلام

و از بین بردن شرک از جامعه اسلامی، بسیج مردم علیه ظلم و ستم، اقامه شعائر اسلامی، امر به معروف و نهی از منکر، مواظب، فراگیری علوم اسلامی و هدایت مردم به صلاح و اصلاح نقش زیربنایی و اساسی داشته است. تبلیغ و ازشاد، از مهمترین اموری بوده است که در مساجد انجام می گرفته است. روایات بسیاری مؤید این مدّعاست، از جمله:

علی «ع»، در روایتی که بیانگر فوائد رفت و آمد به مساجد است، بیشترین نقش مساجد را در جهت تبلیغ و ارشاد بیان می فرماید:

«من اختلف الى المساجد اصاب احدى الثمان، اخصاً مستفاداً فى الله، وعلماً مستطرفاً، وآية محكمة، وسمع كلمة قول على هدى، وورحة منتظرة، او كلمة ترد عن ردى وبترك ذنبا خشية اوحياء».

هر کسی پی در پی به مساجد رود بکی از هشت چیز را بهره خواهد برد:

۱. برادری که در راه خدا مورد استفاده او باشد.
۲. دانش نو و سودآور.
۳. نشانه محکمی که او را در راه حق جدی نماید.
۴. شنیدن جمله ای که او را به راه خیر راهنمایی کند.
۵. رحمتی که از خداوند منتظرش باشد.
۶. سستی که او را از بدی باز دارد.
۷. گناهی را که از ترس خدا ترک نماید.
۸. یا این که گناهی را از روی شرم و حیا ترک نماید.

و در روایت دیگری پیامبر اکرم «ص» ضمن سفارشهایی به اباذر می فرماید:

«... یا اباذر کل جلوس فی المسجد لغوآلآ ثلاثه: قرآنه مصل، او ذکر الله اومسائل عن علم».

ای اباذر! هر نشستی در مسجد لغو و بیهوده است، مگر گزاردن نماز، ذکر و یاد خدا، پرسشی از آنچه که انسان نمی داند.

تبلیغ و مسجد در تاریخ

با نگاهی به تاریخ صدر اسلام و زندگی پیامبر «ص» و خلفاء و امام علی «ع» که بر کشور اسلامی حکومت می کردند درمی یابیم که مسجد، علاوه بر محل نیایش و برقراری نمازهای یومیه، مرکز فرماندهی، بسیج و رهپاری سپاه اسلام به میدانهای نبرد، حل و فصل مشکلات، قضاوت و رسیدگی به ایام، تعلیم و تعلم و مهمتر از همه مرکز تبلیغ اسلام و احکام آن نیز بوده است.

آموزش و تبلیغ دین از مسجد النبی، که در عصر نبوت و خلفاء بنای بسیار ساده ای داشت، آغاز شد. مسجد النبی در صدر اسلام مرکز و مجمع تازه مسلمانانی بود که برای نیایش، حل مسائل جدید، استماع سخن وحی و آموزش معارف و احکام اسلامی. اکثر خطبه های پیامبر اسلام «ص» که مشتمل به مسائل گوناگونی است در مسجد ایراد شده است.

بنابراین، مسجد در صدر اسلام تنها مرکزی برای نیایش و پرستش نبود، بلکه تمام معارف و

احکام اسلامی در آنجا تبلیغ می شد. همه گونه تبلیغات علمی و دینی، حتی خواندن و نوشتن در آنجا انجام می گرفت. هیئت هایی که برای تحقیق و شناخت اسلام از اطراف و اکناف می آمدند در مسجد بر پیامبر گرامی اسلام «ص» وارد می شدند و سؤالات خود را از ایشان می پرسیدند.^۸ تا آغاز قرن چهارم اسلامی، مساجد در غیر اوقات نماز حکم مدارس امروزه را داشت.^۹ و بسیاری از بزرگان علم و دانش و رؤسای مذاهب خمسه، جلسات درس خود را در مساجد برگزار می کردند.

۱. غزالی از مکحول نقل می کند که: ده تن از صحابه رسول خدا «ص» گفته اند که ما در مسجد قبا سرگرم فراگیری دانش بودیم که ناگهان پیامبر خدا در آنجا حضور یافت و فرمود: «آنچه می خواهید بیاموزید و خدای شما را پاداش ندهد مگر آن که به کار بیندید آنچه را فرامی گیرد»^{۱۰}.

۲. رویداد دیگری که بر وجود فعالیت علمی و تبلیغی در مسجد، در زمان پیامبر «ص»، دلالت دارد این است که: (رسول خدا «ص») روزی وارد مسجد شدند و دیدند از جمع حضار دو حلقه تشکیل شده است: یک حلقه به ذکر و عبادت مشغول و آن یکی به تعلیم و تعلم سرگرم. چون نیک نگریست گفت: هر دو گروه کردار نیک دارند، اما من برای تعلیم فرستاده شده ام:

«کلاهما علی خیر ولكن بالتعلیم ارسلت.»

و خود در حلقه ای که سخن از تعلیم و تعلم

بود، نشست^{۱۱}.

روشن است که تعلیم و تعلم در اوائل ظهور اسلام در این مساجد، منحصر به علوم دینی و مذهبی بود و نوعاً در سطح ساده ای تدریس می شد، ولی پس از آن، علوم و فنونی که از همان دانشها و معارف سرچشمه می گرفت در مساجد راه یافت و از همین مساجد برای تدریس آن استفاده می شد.

۳. تا زمان خلیفه دوم که مرزهای اسلامی از حدود جزیره العرب فراتر نرفته بود، مراکز فعال تعلیمات اسلامی مسجد النبی در مدینه و مسجد الحرام در مکه بود. از اواخر دهه دوم هجری با افزایش چشمگیر دامنه فتوحات مرزهای اسلام از شرق و غرب گسترش یافت و جمع کثیری به آیین اسلام گراییدند که در زبان و نژاد با اعراب مسلمان مغایرت داشتند. از این زمان، آموزش زبان عربی برای درک معانی آیات قرآن و تعلیم آن در سرزمین های فتح شده آغاز گردید و آن دسته از اصحاب پیامبر و تابعین ایشان که دعوت به اسلام و تعلیم مبانی دین را بر حضور در صحنه های پیکار ترجیح می دادند، در مساجد نو بنیاد به آموزش پرداختند. این مساجد، ابتدا در شهرهای کوفه، بصره، حیره، مداین، بنیاد گردید و به دستور خلیفه دوم، برخی از صحابه رسول خدا مأمور اقامه نماز و آموزش قرآن و مسائل دین شدند.^{۱۲}

۴. در زمان خلافت علی «ع»، که مرکز حکومت از مدینه به کوفه انتقال پیدا کرد، مسجد

مسجد و تبلیغ در نگاه عالمان

۱. آیه الله بروجردی «ره» از مساجد به عنوان مراکز ارشاد و هدایت یاد می کند و می فرماید:

«کانوا فی بادی الامر یعملون بوظائف السیاسیه فی مراکز الارشاد والهدایه، کالمساجد فکان امام المسجد امیراً لهم وبعده ذلك ایضاً کانوا یبنون المسجد الجامع قرب دارالاماره»^۱.

در ابتدای امر، حل و فصل مسائل سیاسی در مراکز ارشاد و هدایت مانند مساجد صورت می گرفته است. در این بیان نقش اصلی مساجد، همان ارشاد و هدایت در نظر گرفته شده و حل و فصل مسائل سیاسی به عنوان یک کار فرعی.

۲. امام خمینی «رض» در این زمینه می فرماید:

مسجد در صدر اسلام، مرکز جنبش حرکت های اسلامی بود. از مسجد تبلیغات امیلای شریعته می شده است. و در ادامه سخن، خطاب به هیئت اعزامی از عربستان می فرمایند: «... شما که از اهالی مسجد و از علماء مسجد هستید، باید پیروی از پیامبر اسلام «ص» و اصحاب آن سرور کنید و مساجد را برای تبلیغ اسلام و حرکت اسلامیّت و برای قطع ایادی شرک و کفر و تأیید مستضعفین در مقابل مستکبرین قرار بدهید»^{۱۵}.

۳. استاد شهید مرتضی مطهری می فرماید:

«مسجد مدینه در صدر اسلام، تنها برای اداء

کوفه مرکز نشر اسلام و تبلیغ دین اسلام شد. اکثر خطبه هایی که از علی «ع» در نهج البلاغه به وسیله سیدرضی «ره» جمع آوری شده و مشتمل بر دستوره های اعتقادی، اخلاقی، اقتصادی، سیاسی و... است در مسجد ایراد شده است.

۵. با انقراض حکومت اموی و تشکیل حکومت عباسی، تحولی شگرف در زندگی علمی و اجتماعی مسلمانان، بویژه شیعه آغاز گردید. در این دوره، مبنای دین اسلام بویژه مذهب تشیع، به وسیله امام باقر و امام صادق «ع» توضیح و تدوین گردید. فرصتی دست داد که امام صادق «ع»، فارغ از مزاحمت های حکام اموی و عباسی به تبلیغ و استحکام مبنای دین اسلام پردازد.

شیخ مفید «ره» کسانی که از محضر آن امام بزرگوار استفاده کرده اند بالغ بر چهار هزار نفر می داند.

و این شاگردان از مسجد النبی مرکز درس امام صادق علوم اسلامی را به دیگر مراکز و مسجد کوفه و شهرهای دیگر برده اند.

نجاشی از حسن بن علی الوشاء کوفی، روایت کرده که در این مسجد، محضر نهصد دانشمند را درک کردم که هریک می گفت: جعفر بن محمد برایم حدیث کرد:

«انی ادرکت فی هذا المسجد (مسجد کوفه) تسعمائة شیخ، کل یقول حدیثی جعفر بن محمد»^{۱۳}.

فريضة نماز نيوده، بلکه مرکز جنب و جوش و فعاليت های دينی و اجتماعی مسلمانان همان مسجد بود. هر وقت لازم می شد اجتماعی صورت بگيرد، مردم را به حضور در مسجد دعوت می کردند. و مردم از هر خبر مهمی در آنجا آگاه می شدند. و هر تصميم جدیدی گرفته می شد در آنجا به مردم ابلاغ می شد.^{۱۶}»

کنترل مساجد

با توجه به مرکزيت تبليغی مساجد بوده است که شايستگي تأسيس و تصدی مسجد از جانب نااهلان و افراد غير معتقد و غير پاي بند به دين نفي شده است:

«ما کان مشرکین ان یعمروا مساجد الله^{۱۷}»

مشرکان حق ندارند که مساجد خدا را تعمیر کنند، بلکه این حق از آن کسانی است که نیتی به جز خدا و هدفی جز اعلام کلمه توحید و نشر اسلام را نداشته باشند.^{۱۸}

و با کسانی که خواسته اند از این مرکز تبليغی سوء استفاده نمایند، به شدت برخورد شده است. چنانچه ورشکستگان سیاسی (متناقضین) درصدد برآمدند که از این حربه به نفع خود استفاده کنند و از مسجد علیه مسجد و اسلام فعاليت کنند که پیامبرگرمای اسلام «ص» به وسیله وحی از توطئه آنان آگاه شد و با همه احترامی که برای مسجد قائل بود دستور داد که آن مرکز را نابود سازند و به آتش بکشند؛ چرا که متناقضین آن مسجد را برای جنگ با خدا و رسول بنا نهاده بودند.^{۱۹}

متأسفانه پس از پیامبر اکرم «ص» نیز سوء استفاده از این مرکز تبليغی همچنان ادامه پیدا کرد، تا جایی که معاویه از این پایگاه برای کوبیدن علی «ع» استفاده می کرد. سلاطین بنی امیه و بنی العباس، برای ظاهر سازی و فريب مردم، مساجد را به صورت خیلی اشرافی تزئين می کردند و مساجد را از نقش اصلی و هویت رسالت خویش، که تبليغ اسلام راستین بود، دور می ساختند. این حرکت سوء، همچنان، از جانب سلاطین جور ادامه دارد.

در کشور ما نیز، مساجد، رسالت اصلی خود را از دست داده بودند که با رهنمودهای پیامبرگونه امام راحل، مساجد، احیاء شد و از مساجد به عنوان اولین و محکمترین سنگرهای تبليغاتی و مبارزاتی علیه شاه و استعمارگران استفاده شد، تا این که انقلاب اسلامی به پیروزی رسید، ولی پس از پیروزی انقلاب اسلامی، دشمن، که از نقش مساجد در آگاهی بخشی و تحرک آفرینی آگاه شده است، برنامه هایی جهت دوری مردم، بویژه نسل جوان از مساجد و اجتماعات اسلامی دارد؛ از این روی، امام امت «قدس سره» می فرماید:

«مسجدها را خالی نکنید... شیطانها... از مسجد می ترسند... اجتماعات را حفظ کنید و مساجد را محکم نگهدارید.»^{۲۰}

نتیجه:

با توجه به نقشی که برای مساجد یاد آور

شدیم، اینک بر مسلمانان، بویژه مسؤلان نظام جمهوری اسلامی و روحانیون و روشنفکران متعهد اسلامی است که برای تداوم نقش مساجد و حفظ ملاک‌هایی که اسلام برای مساجد ذکر کرده تلاش کنند و نگذارند عده‌ای سودجو و دنیاپرست، ریاکار و... در صف بنیان‌گذاران و متصدیان مساجد قرار گیرند که تصدی و بنیان مساجد به دست این عده، پیامدهای زیانباری را به دنبال دارد. علاوه بر آن، نگذارند که مسجد و منبر و محراب در اختیار عده‌ای قرار گیرد که از ابتدایی‌ترین مسائل اسلامی باخبرند و یا مبلغ اسلام آمریکائی اند.

برای بازگرداندن نقش اصلی مسجد، به مسجد باید انقلابی ژرف در تمام ابعاد مسجد و تحولی عظیم در طرز اداره و برنامه ریزی آن به وجود آید و بنیانگذاران، متصدیان، خطبا، و امام جماعت‌های بی درد و بیگانه از اسلام اصیل و ناب محمدی به وسیله مراکز ذی صلاح طرد شوند.

و با توجه به مسؤلیت همگانی مسلمانان، بویژه روحانیون در بالا بردن آگاهیهای مکتبی و مذهبی و سیاسی مردم برای تداوم انقلاب اسلامی و اهداف و آرمانهای بلند امام خمینی، قدس سره، اجتماع برادران و خواهران، در مساجد و کار فرهنگی و سیاسی و آموزشهای نظامی مناسب، ضروری و لازم است، امام خمینی، قدس سره، در این زمینه می فرماید:

«باید اجتماعات در مساجد و محافل مذهبی هر

چه بیشتر و باشکوهتر بر پا شود و اهل منبر و خطبای محترم به روشنگری و سازندگی هر چه بیشتر قیام، اقدام نمایند»^{۲۱}.

نماز جمعه

نماز جمعه را از ابعادی چند می‌توان مورد بحث و بررسی قرار داد، آن ابعاد عبارتند از:

۱. اهمیت نماز جمعه.
۲. پیشینه تاریخی نماز جمعه.
۳. چگونگی نماز جمعه.
۴. شرائط نماز جمعه.
۵. شرائط امام جمعه.
۶. لزوم شکوه نماز جمعه.
۷. خطبه نماز جمعه.
۸. نماز جمعه و موضع گیری دشمنان اسلام.
۹. نقش هدایتی نماز جمعه.
- و...

ما در این بخش قصد بررسی همه ابعاد را نداریم. هدف تنها تبیین نقش هدایتی و تبلیغی نماز جمعه است، از این روی، با مقدمه‌ای کوتاه همان جهت را پی می‌گیریم.

در متون دینی ما، از اصل نماز، تعابیر گوناگون و زیبایی شده است.

در این تعابیر، گاه، نماز به عمود خیمه تشبیه شده که با شکستن آن، تمامی خیمه دین فرو خواهد ریخت.

و گاه، به نهر آبی تشبیه گردیده که انسان مسلمان، هر روز پنج نوبت روح خود را در آن

شستشو داده و از پلیدیها می‌زداید. این تعبیر، هر کدام بیانگر میزان رابطه نماز با اصل دین و نقشی است که نماز در جهت تقویت و رشد انسانها دارد این پیوند و رابطه در نماز جمعه چند برابر می‌گردد.

از همین روی، برای شرکت در نماز جمعه پادشاهی بسیار بزرگ از قبیل: آموزش و رهایی از آتش، آسانی حساب در قیامت، ثواب حج، ثواب یک سال نماز و روزه و... در روایات رسیده از ائمه معصومین «ع» در نظر گرفته شده است.^{۲۲}

و برای شرکت نکردن در آن تهدیدهای سخت و شدیدی در متون دینی وارد شده است.^{۲۳}

در اهمیت نماز جمعه همین بس که زندانی هم باید در مراسم نماز جمعه شرکت کند، تا او هم روح خود را شستشو داده و آگاهیهای لازم را فراگیرد و زندان مانع رشد فکری و معنوی او نشود. به روش و گفتار ائمه هدی «ع» در این زمینه توجه کنید:

امام صادق «ع» نقل می‌کند که: «علی «ع» زندانیان را با ضمانت اولیاء آنان از زندان آزاد می‌ساخت تا در نماز جمعه شرکت جویند.^{۲۴}

همچنین آن حضرت می‌فرماید:
آوردن زندانیان برای شرکت در نماز جمعه و نماز عید و سپس بازگرداندن آنان به زندان از وظایف حکومت اسلامی است.^{۲۵}

پیامبر اسلام «ص» به صاحبان کار دستور

داده است: مانع شرکت کارگران در مراسم نماز جمعه نشوند.^{۲۶}

نقش تبلیغی نماز جمعه

نماز جمعه، دارای دو رکن اساسی است: رکن اول آن اجتماع مردم برای برگزاری نماز جمعه است که در این جهت توصیه‌ها و تأکیدهای فراوانی برای حضور در نماز جمعه و هر چه با شکوه برگزار کردن آن داریم. رکن دوم، که پایه و اساس نماز جمعه است، محتوا و مضمون آن است که در خطبه‌های خطیب جمعه متجلی می‌شود.

خطبه در نماز جمعه، از مهمترین اجزای نماز جمعه و جایگزین دو رکعت از نماز است. چنانچه امام صادق «ع» در این زمینه می‌فرماید: علت این که نماز جمعه، دو رکعت است، وجود دو خطبه است. خطبه‌ها، نماز است تا وقتی که امام از منبر پایین آید.^{۲۷} و در جای دیگر می‌فرماید:

«لاجمعة الا بخطبة واما جعلت رکعتین لمكان الخطبتین»^{۲۸}.

نماز جمعه، بدون خطبه صحیح نیست. به خاطر خطبه‌ها، این نماز با دو رکعت انجام می‌گیرد. با نگاهی گذرا به سیره پیامبر «ص» و علی «ع» و گفتار ائمه معصومین «ع» و فقهاء درمی‌یابیم که بر امام جمعه لازم است که از درد ورنج مسلمانان، از اوضاع کشورهای اسلامی، از ترفندهای دشمنان اسلام و خلاصه آنچه را به

حسب زمان و مکان آگاهی از آن، برای اقت اسلامی لازم و ضروری است، سخن بگوید و مردم را در جریان مسائل روز قرار بدهد و آنان را موعظه و ارشاد نماید و تقویت مبانی دینی و مذهبی و رشد سیاسی فرهنگی آنان را در نظر داشته باشد.

امام رضا (ع) در این زمینه می فرماید:

«أما جعلت الخطبة يوم الجمعة لان الجمعة شهيد عام فاراد ان يكون للامير سبب الى موعظتهم وترغيبهم وترهيبهم من المعصية وتوفيقهم على ما اراد من مصلحة دينهم ودنياهم وبخبرهم بما ورد من الافاق والاهوال التي فيها المضرة والمنفعة...»^{۲۹}

خطبه در روز جمعه تشریح شده است، از آن جهت که جمعه از روزهای اجتماع مردم است. از نظر اسلام، همه مکلفین باید در آن اجتماع حضور یابند. خداوند با تشریح این دستور، اراده کرده است که توسط زمامداران، مردم در این روز موعظه و ارشاد گردند و به نیکیها ترغیب و از بدیها بازداشته شوند.

همچنین حاکمان اسلامی و یا خطیب و امام جمعه منصوب از طرف او، مردم را به مصالح دینی و دنیوی خود، هدایت سازد و از اخیار و حوادث جهانی، که برای آنان مفید و یا پیش گیرنده از زیان آنان است آگاه سازد.

امام رضا (ع) در ادامه گفتار می فرماید:

«علت این که دو خطبه در نماز جمعه باید خوانده شود این است که: در یکی به حمد و

ثنای الهی پرداخته شود و در دیگری حوائج مردم خطرهایی که مردم را تهدید می کند بیان شود و برای مردان و زنان با ایمان دعا و طلب آموزش شود و آنچه که لازم است از اوامر و نواهی به مردم ابلاغ شود. و آنچه باعث صلاح و قساد مردم است یادآوری گردد»^{۳۰}.

امام خمینی «ره» در تحریر الوسیله در باره

محتوای خطبه های نماز جمعه چنین می فرمایند:

«سزاوار است که امام جمعه، در ضمن خطبه هایش آنچه را که مصلحت دین و دنیای مسلمانان است بیان دارد و از آنچه که در کشورهای اسلامی و غیر اسلامی می گذرد و به زیان و یا سود آنان است و آنچه که مسلمانان در زندگی دنیوی و اخروی به آن نیاز دارند، مطلع سازد و از امور سیاسی و اقتصادی که در استقلال و آزادی آنان دخالت دارد و چگونگی رفتار آنان با سایر ملتها سخن بگوید و آنان را از مداخله دولتهای ظالم و استعمارگر در امور سیاسی و اقتصادی، که منجر به استعمار و استثمار آنان است، آگاه گرداند.

خلاصه: نماز جمعه و دو خطبه آن، مانند حج و عیدین و غیره از مواقف عظیمه برای مسلمانان است، ولی متأسفانه مسلمانان از وظایف و مواقف مهم سیاسی این عبادت غافل و ناآگاهند»^{۳۱}.

موضع گیری دشمنان

از آنجا که این اجتماع عظیم در آگاهی و

رشد مسلمانان نقش بسزایی دارد، دشمنان اسلام، بویژه مسلمان نماها (منافقین) در طول تاریخ با ترفندهای گوناگون سعی در ایجاد خلل در صفوف به هم فشرده نماز جمعه نموده اند. آنان با بهانه های مختلف در این مراسم شرکت نمی جسته اند تا با ایجاد شکاف در بین مسلمانان به اهداف شوم و ضد انسانی خود برسند.

پیامبر گرامی اسلام «ص»، توطئه این بدسیرتان را برملا کرده و می فرماید:

«من ترك ثلاث جمعات من غير عذر كتب من المنافقين ۳۲»

آن کسی که بدون عذر سه نوبت نماز جمعه را ترک کند از منافقین شمرده می شود.

امام باقر «ع»، در این زمینه می فرماید:

«صلوة الجمعة فريضة والاجتماع اليها مع امام العدل فريضة فمن ترك ثلاث جمعته على هذا فقد ترك ثلاث فرائض ولا يترك ثلاث فرائض من غير عذر ولا علة الا منافق ۳۳»

نماز جمعه و اجتماع برای آن، با امام عادل واجب است اگر کسی بدون عذر، سه جمعه را، بی دربی، ترک کند سه فريضة را ترک کرده است و جز منافق، سه فريضة را، بدون علت، ترک نمی کند.

نقش نماز جمعه در تداوم انقلاب

رمز پیروزی انقلاب اسلامی و استقامت مردم در برابر مشکلات طاقت فرسا و مقاومت در برابر ابرقدرتها، ایمان، اتحاد و رهبری قاطع

امام امت «ره» بود. همانگونه که این عوامل در پیروزی انقلاب اسلامی نقش داشت برای تداوم انقلاب نیز این عوامل ضروری است. اجتماعات نماز جمعه فرصت بسیار خوبی است که ائمه جمعه می توانند به وسیله خطابه های خود، ایمان و اعتقاد مردم را تقویت کنند و مبنای دینی آنان را استحکام بخشند و آنان را به وحدت و همبستگی بیشتر دعوت کنند و عوامل تفرقه و جدائی را در این مجامع یادآوری نمایند.

بنابراین باید با تشکیلات و برنامه ریزی دقیق از این اجتماعات، هر چه بیشتر، در جهت تحکیم پایه های انقلاب اسلامی و اعتلای کلمه حق و نمایاندن چهره حقیقی اسلام و جمهوری اسلامی و شناساندن حکومت اسلامی و خنثی کردن توطئه های دشمنان کینه توز اسلام استفاده گردد. برای بهره های لازم از این گونه اجتماعات امور ذیل یادآوری می شود:

۱. ائمت اسلامی بر اساس وظیفه دینی سیاسی خود، به دور از جریانانات، برای حفظ کیمان اسلام و انقلاب اسلامی در نماز جمعه شرکت می کنند؛ بنابراین، ائمه جمعه، باید از موضع گیریهای گروهی و حزبی اجتناب نمایند، تا محور امت حزب الله، در هر شهر و استان باشند. اگر ائمه جمعه از این اصل عدول کنند در نقش اصلی خود، که همان هدایت و رهبری فکری سیاسی مذهبی مردم مسلمان منطقه است، موفقیت چندان ناخواهند داشت.

۲. ائمه جمعه باید با مطالعه دقیق و عمیق

نسبت به جریان‌ات سیاسی و مسائل مورد ابتلای جهان، به خطبه‌ها عمق بیشتری ببخشند. با طرح مسائل لازم، در ابعاد گوناگون: اعتقادی، اخلاقی و سیاسی سعی کنند هر جمعه به شرکت‌کنندگان، آگاهی و آشنایی بیشتری نسبت به معارف زندگی ساز اسلام و مسائل روز و جهان اسلام بدهند.

با نگاهی به نماز جمعه و مقایسه آنها با یکدیگر به روشنی درمی‌یابیم که کیفیت نماز جمعه از حیث غنا و اتقان خطبه‌ها ... باعث جذب بیشتر مردم به نماز جمعه و برعکس خطبه‌های شعاری و بی‌محتوا و یا کم‌محتوا، موجب سردی مردم شده است.

۳. برای صرفه‌جویی در وقت و برای یادآوری و طرح آنچه که بیان و ابلاغ آن لازم است تنظیم و دسته‌بندی مطالب و آمادگی قبلی، امری است لازم و ضروری.

بدون تردید، در این صورت، فراگیری و ثمردهی و جاذبیت آن بیشتر خواهد بود.

۴. موضوعات قابل بحث و سخنان ناگفته بسیار است. چون در نماز جمعه وقت محدود است، لازم است ائمه جمعه مطالب خود را براساس اولویت‌ها دسته‌بندی کنند به آن مطلبی که از اهمیت بیشتری برخوردار است بهای بیشتری بدهند.

۵. در نماز جمعه همه اقشار مردم از بی‌سواد و باسواد، فرهنگی و غیرفرهنگی شرکت می‌کنند، لازم است ائمه جمعه مراعات حال

همگان را نموده و طوری سخن بگویند که قابل استفاده برای همگان باشد. قرآن و روایات مأثوره ائمه معصومین «ع» در طرح معارف، بهترین الگوست. مشکل‌ترین براهین علمی را در قالب ساده و همه‌کس فهم بیان می‌کنند. امام خمینی «ره» نیز در طرح مسائل و معارف اسلامی می‌تواند الگوی بسیار خوبی برای ما باشد.

۶. برای تأثیر گذاری و ثمردهی بیشتر خطبه‌ها، ائمه جمعه باید مقتضای حال را رعایت کنند و به گرمی و سردی هوا خستگی مردم ... توجه داشته باشند.

عدم توجه به این اصل در برخی از موازید، باعث پیامدهای زیانباری خواهد شد که به هیچ وجه قابل جبران نیست و خطابه‌ها نه تنها مفید و باثمر نخواهد بود که باعث فرار و بدبینی مردم خواهد شد.

اینها برخی از نکاتی است که ائمه جمعه باید برای بهره‌گیری لازم از این اجتماعات و جذب مردم و تأثیر گذاری هر چه بیشتر به آن توجه داشته باشند. علاوه بر این، باید برای برنامه‌های فرهنگی و تبلیغی دیگر در این مراسم بزرگ و با شکوه بهره لازم برده شود.

نماز عیدین

ما در اینجا نیز قصد بررسی همه ابعاد اعیاد و نماز عیدین را نداریم. هدف ما در اینجا فقط

اشاره‌ای به نقش هدایتی نماز عیدین است.

عید سعید قربان و فطر، دو عید حقیقی است و دو عید رسمی مسلمانان جهان است. با نگاهی کوتاه به کتب ادعیه و روایات مأثوره از پیامبر (ص) و ائمه معصومین (ع) درمی‌یابیم که این دو عید، از دیدگاه اسلام، از قداست و ارزش ویژه‌ای برخوردارند. عید واقعی در اسلام، هنگامی است که انسانها، با طرد شیطان و هواهای نفسانی به سوی پروردگار رحمان بازگشت نموده باشند. و به عبارت دیگر، عید در اسلام جشن بازگشت به فطرت ناب انسانی و دوری جستن از گناه و زشتیها و یادآوری پیوند درونی انسان با خداست.

نمونه عالی این ارزشها، در دو عید قربان و فطر متجلی است که پس از انقلاب روحی روزه و مناسک حج برگزار می‌شود.

و نماز عیدین که در پایان دو جنبش و تحویل روحی عظیم برپا می‌شود، نه تنها جشن رهایی از گناه و پیوستگی به خداست، که مجمعی بزرگ و یک مانور سیاسی است، مانوری که در سرنوشت سیاسی اجتماعی و فرهنگی مسلمانان سهم بسزایی دارد. چنانکه مفسر گرانقدر مرحوم علامه طباطبائی (ره) می‌نویسد:

«فان العید من شأنه ان یجمع الکلمة ویجدد حیاة الملة وینشط نفوس العائدین ویعلن کلها عاد عظمة الدین^{۳۱}»

عید موجب وحدت کلمه، تجدید حیات ملت و نشاط جامعه و یادآور عظمت و نقش دین است.

نماز عیدین، همانند نماز جمعه، دارای دو خطبه است، با این تفاوت که خطبه‌های نماز عیدین پس از نماز خوانده می‌شود. در این خطبه‌ها همانند نماز جمعه، خطیب آنچه را مسلمانان با آن روبرو هستند و دانستنش لازم و ضروری است، مطرح می‌سازد و همگان را در جریان مسائل مسلمانان قرار می‌دهد. در ضمن پند و اندرز و بیان مسائل سیاسی و اجتماعی، در عید فطر احکام زکاة فطر و در سخنرانی عید قربان، احکام قربانی و موارد مصرف آن را برای مسلمانان بیان می‌کند.

از آنجا که خطبه‌های نماز عیدین، همانند نماز جمعه است، از جهت مضمون و محتوا، به شرح و تفصیل بیشتر آن نمی‌پردازیم.

ولی برای ثمربخشی این دو مجمع عظیم اسلامی، اصولی را که به عنوان یادآوری و تذکر در پایان بحث نماز جمعه ذکر کردیم در این دو اجتماع نیز باید مراعات شود.

متأسفانه این مراسم با شکوه (نماز جمعه، عیدین) در طول تاریخ اسلام، به جز ایامی: کوتاه، در اختیار حکام نالایق و جانربوده است و آنان از این اجتماع و نیایش دسته‌جمعی در جهت تقویت پایه‌های حکومت جانثرانه و ضد مردمی خود، استفاده می‌کرده‌اند و صاحبان اصلی آن از این مراسم محروم بوده‌اند.

امام باقر (ع) آن روزگار اندوهناک را چنین به تصویر می‌کشد:

«... یا عبدالله ما هن یوم عید المسلمین

«اضحی و فطر» آلا وهو یجد والله الال
 محمد «ص» فیه حزنا. قال: قلت: ولم؟
 قال: انهم یرون حقیهم فی ابدی غیرهم^{۳۵}.
 عیدی (فطر و قربان) بر مسلمانان نمی گذرد
 مگر آن که یادآور اندوه دودمان پیامبر «ص»
 است.

عبدالله سؤال کرد چرا؟

در پاسخ فرمودند: زیرا حق و پایگاه خویش را
 در کف دیگران مشاهده می کنند.

امروز که با رهنمودهای پیامبر گونه
 امام خمینی «ره» و توفیق خداوند، این مراسم
 عظیم در اختیار صاحبان اصلی آن، در ایران
 اسلامی، قرار گرفته است، بر ملت و دولت و
 حوزه های علمیه، بویژه سخنرانان این مجالس
 است که از این شعائر الهی و فرصت های
 خدادادی، به بهترین وجه سود جسته و امت
 اسلامی را به وظائف و مسؤولیتهای خود آشنا
 سازند و فلسفه این اجتماعات را برای مردم بیان
 کنند و با برنامه ریزی حساب شده، پیام اسلام
 راستین و زندگی ساز را از طریق این مجامع به
 گوش ملت عزیز ایران و مسلمانان جهان برسانند
 و در راه تحکیم و تداوم انقلاب و پایه های
 حکومت اسلامی و برقراری حکومت بین الملل
 اسلامی حداکثر استفاده را بنمایند.

حج مهمترین پایگاه تبلیغاتی

حج، دارای ابعاد و جهات گوناگون است.
 حج عبادت و پرستش حق است، در بهترین و

زیباترین صورت ممکن. حج نیایش در برابر
 خدای با عظمت است، در بهترین شکل. عبادت
 و پرستش حق و نفی پرستش غیر او، در تمامی
 اعمال حج نمایان و آشکار است. حج دارای
 ابعاد: معنوی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی،
 اقتصادی است ولی آنچه ما در این بخش در
 پی آنیم، اشاره ای به نقش تبلیغی این کنگره عظیم
 اسلامی است. آیات و روایات، سیره
 پیامبر «ص» و ائمه معصومین «ع» مبین این نکته
 است که از مهمترین فوائد حج، تبلیغ و رساندن
 پیام اسلام است.

سخن را در این بعد از حج، از قرآن کریم و
 دعوت مؤسس کعبه حضرت ابراهیم «ع»، برای
 زیارت خانه خدا آغاز می کنیم:

۱. «واذن فی التاس یا توتک رجلاً و علی کل
 ضامر یا تین من کل فج عمیق لیشهدوا منافع
 لهم و یدکرو اسم الله فی اقام معلومات^{۳۶}».

ما، به ابراهیم گفتیم: مردم را به حج دعوت
 کن، تا پیاده و سواره بر مرکبهای لاغر از راه دور
 بیایند و شاهد منافع گوناگون خویش در این
 برنامه حیات بخش باشند و خدای را در روزهای
 معین یاد کنند.

از این که جمله «لیشهدوا منافع لهم» در برابر
 «یدکرو اسم الله» آمده است می فهمیم که حج
 دارای دو بعد است: بعد عبادی که در ذکر و
 یاد خدا، تجسم و تبلور می یابد و بعد اجتماعی که
 مشاهده منافع، بیانگر آن است. واژه منافع، بدون
 قید و مطلق آمده است، تا شامل هر نوع منفعت:

اعم از اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و تبلیغی باشد. اگر تزکیه و تقرب الی الله منفعت است، بیان معارف اسلام و دعوت مردم به اسلام ناب محمدی («ص») دعوت به اتحاد، دعوت به تحرک و مبارزه با ظلم و ظالم، بیان مشکلات مسلمانان و چاره‌جویی برای آن، نیز از بزرگترین منافع است.

شیخ محمود شلتوت در تفسیر این آیه شریفه می‌گوید:

«... منافی که حج وسیله شهود و تحصیل آن

می‌باشد و به صورت نخستین فلسفه حج در آمده

است، یک مفهوم گسترده و جامعی است که

هرگز در نوع و یا خصوصیتی خلاصه نمی‌گردد،

بلکه این جمله با عمومیت و شمولی که دارد،

همه منافع فردی و اجتماعی را در بر می‌گیرد.

اگر تزکیه نفس و تقرب به سوی خدا منفعت

است، مشاوره و ترسیم خطوط گسترش علم و

فرهنگ نیز منفعت است. اگر این دو منفعت به

شمار می‌روند دعوت مسلمانان به اینکه همگی

توان خود را در گسترش اسلام متمرکز سازند

نیز، منفعت به شمار می‌رود... این منافع به

مقتضای زمان و اوضاع مسلمانان، در هر زمان،

فرق می‌کند»^{۳۷}

نکته قابل دقت در آیه شریفه این است که: خداوند تبارک و تعالی، جمله «بشهدوا منافع لهم...» را که بیانگر ابعاد سیاسی، اجتماعی، نظامی، فرهنگی، تبلیغی و اقتصادی حج است، بر جمله «یدکروا اسم الله...» که ترسیم گر

بُعد عبادی آن است مقدم داشته است و این می‌فهماند که بعد سیاسی فرهنگی حج از اهمیت بیشتری برخوردار است، بنابراین، حج را نباید یک عبادت محض بدون این که با زندگی پیوندی داشته باشد، به شمار آورد.

۲. «ان اول بیت وضع للناس للذی بکنه مبارکاً و هدی للعالمین فیه آیات بینات...»^{۳۸}

نخستین خانه‌ای که برای مردم بنا شد، در سرزمین مکه است که پربرکت و مایه هدایت جهانیان است. در این آیه شریفه بر هدایتگری کعبه تأکید شده است.

بُعد تبلیغی حج از نگاه روایات

روایات ماثوره از پیامبرگامی اسلام «ص» و ائمه معصومین «ع» در این: بعد از حج (تبلیغی) بسیار است که ما آنها را به چهار دسته تقسیم نموده و از هر بخشی به ذکر نمونه‌ای اکتفاء می‌نماییم.

۱. برخی از روایات، شناخت اسلام و شناساندن آن، شناخت آثار رسول خدا «ص» و اخبار او، شناخت سیره و روایات ائمه معصومین «ع» را از اساسی‌ترین و مهمترین اهداف این مراسم بزرگ ذکر کرده‌اند از جمله:

امام صادق «ع» می‌فرماید:
 «... ففعل فیه الاجتماع من المشرق والمغرب ليعارفوا ولتعرف آثار رسول الله وتعرف اختاره ویدکروا ولایسنی ولوکان کل قوم یتکلمون

علی بلاد هم وما فیها هلکوا وضربت البلاد
وسقط الجلب والارباح وعمیت الاخبار ولم
یبقوا علی ذلك فذلك علة الحج^{۳۱}»

در سرزمین مکه، اجتماعی از شرق و غرب پدید
آورد، تا همدیگر را بشناسند و آثار
رسول خدا «ص» و احادیث و اخبار او شناخته
شود و در آنجا مورد تذکر قرار گیرد تا فراموش
نشود. اگر هر گروهی به آنچه در سرزمین های
خود جریان دارد تکیه می کردند نابود می شدند
و شهرها رو به ویرانی می گذاشت و امر تجارت
و بازرگانی به تباهی می گرائید و گزارشات و
اخبار به دست افراد نمی رسید، این است فلسفه
حج.

با اندک توجه به این روایت و امثال آن،
می فهمیم که حج دارای ابعاد علمی، سیاسی،
فرهنگی و اقتصادی است. در حقیقت موسم حج
حلقه اتصال است میان مسلمانان که از این
طریق به شناخت اسلام راستین، اسلام
رسول الله «ص» می پردازند و اخبار و اوضاع
جاری جهان را مورد نقد و بررسی قرار داده و به
تبادل نظر می پردازند.

امام رضا «ع» ضمن برشمردن آثار و فوائد
حج می فرماید:

«... مع ما فیه من التفقه ونقل اخبار الائمه الی
کل صقع وناحیه كما قال الله عزوجل: فلولا
نفر من کل فرقة منهم طائفة لیفتقها فی
الدین ولینذروا قومهم اذا رجعوا الیهم لعلهم
یحذرون^{۳۲}».

از فوائد حج، تفقه و شناخت دین و گرفتن پیام و
اخبار ائمه معصومین «ع» و رساندن آن به همه
نقاط دور دست و همه شهرها می باشد. سپس
امام رضا «ع» به آیه شریفه «فلولا نفر من کل
فرقة...» استشهد می کند.

امام، با استشهد به این آیه شریفه کسانی
که توفیق این سفر الهی را پیدا می کنند تشویق و
ترغیب می کند که باید از این پایگاه عظیم
توحیدی بهره های لازم را ببرند و اسلام
زندگی ساز و تحرک آفرین را بشناسند و حلال و
حرام آن را بیاموزند و در بازگشت، به عنوان یک
مبلغ دین، آنچه را آموخته اند برای مردم تبیین و
تشریح کنند، تا مردم از سخنان آنان پند و اندرز
گرفته و تحذیر شوند.

۲. برخی دیگر از روایات به طور مطلق،
کعبه را موجب تحکیم و تقویت دین می دانند.
این گونه تعابیر، پیوند مستقیم با بُعد تبلیغی،
هدایتی حج دارد. از جمله:

«علی «ع»، در نهج البلاغه، مراسم حج را از
عوامل پیشرفت اسلام و نیرومند ساختن مبانی دین
معرفی کرده می فرماید:

«الحج تقویه للدین^{۳۱}»

حج تقویتی است برای اسلام.

و نیز می فرماید:

«جعلہ سیحانه علما للاسلام^{۳۲}»

خداوند حج را پرچم اسلام قرار داده است.

«العلم ینصب فی الفلوات تهتدی به

الضالة^{۳۳}»

علم چیزی است که در بیابانهای وسیع نصب می شود تا گمشدگان به وسیله آن علامت، هدایت شوند و راه را از بیراهه بشناسند.

علی «ع» که می فرماید: کعبه برای اسلام علامت و نشانه است؛ یعنی، اگر کسانی برای شناخت اسلام راستین علامت و نشانه بخواهند، باید از علامت و نشانه کعبه استفاده کنند و به خواسته خویش دست یابند. مسلمانان با شرکت در مراسم حج، مناسک و اعمال آن را فرا می گیرند و با بخشی از اسلام آشنا می شوند و با تماس و شرکت در اجتماعات و بهره از مجالس علمی و دینی با بقیه احکام آشنا می گردند.

۳. امام صادق «ع» می فرمایند:

«لا يزال الدين قائماً ما قامت الكعبة^{۱۱}»

دین همواره قائم و برقرار است، تا هنگامی که خانه کعبه برقرار و استوار باشد و مسلمانان عاشقانه و صادقانه به دور آن طواف کنند.

۴. حضرت زهرا «ع» در ضمن خطبه فدکیه

می فرماید:

«فجعل الله الأيمان تطهيراً لكم من

الشرك... والحج نشيداً للدين^{۱۲}»

خداوند ایمان را برای پاک و منزّه نمودن شما از

شُرک و بت پرستی... و حج را برای تشیید و

تحکیم مبانی دینی قرار داده است.

۳. دسته سوم، روایاتی است که حج مقبول

را آن حجتی می داند، که انسان مسلمان، ضمن انجام اعمال و مناسک خود، معالم دین و حلال و حرام خود را سؤال کرده و یاد بگیرد و ولایت و

۱۱
۱۲

دوستی خود را بر امام حق عرضه داشته و برائت و تنفر خود را از دشمنان دین اعلام نماید.

ه فضیل می گوید: امام باقر «ع» به مردمی که گِرد کعبه طواف می کردند نگاهی کرد و فرمود:

«هكذا كانوا يطفون في الجاهلية أما امروا ان يطفوا بهائم ينفروا لنا فيعلمونا ولايتهم و مودتهم و يعرضوا علينا نصرتهم ثم قرء هذه الآية واجعل افسدة من الناس تهوى اليهم^{۱۳}»

مردم دستور دارند که گِرد خانه کعبه طواف کنند. و سپس به طرف ما بیایند و ولایت و دوستی خود را به ما اعلام کنند و یاری خود را نسبت به ما عرضه بدارند. سپس این آیه را فرات فرمود:

«دلهای برخی از مردم را متوجه ما گردان.»

ه سُدیر می گوید: امام باقر «ع» وارد مسجد الحرام می شد و من خارج می شدم که دست مرا گرفت و رو به کعبه ایستاد و فرمود:

«یا سُدیر انما امر الناس ان يأتوا هذه الاحجار فيطوفوا بهائم يأتونا فيعلمونا ولايتهم لنا...^{۱۴}»

مردم مأمور شدند که نزد این سنگها (کعبه) بیایند و گرد آن طواف کنند و سپس نزد ما آیند و ولایت خود را نسبت به ما عرضه بدارند.

همین است گفته خداوند در قرآن که می فرماید:

«أنتى لغفار لمن تاب وآمن وعمل صالحاً ثم اهتدى.»

من آمرزنده‌ام آنی که ایمان آورد و کار شایسته کند و سپس رهبری شود آن گاه با دست به سینه‌اش اشاره کرد و فرمود: به سوی ولایت ما رهبری شود.

و پس از آن عده‌ای از عالمان دینی را که به وظایف خود عمل نمی‌کردند، به عنوان کسانی که سد راه خدا می‌کنند معرفی کرد و در ادامه فرمودند:

«که اگر این پلیدان در خانه خود بنشینند و داعیه نداشته باشند، عده‌ای از مردم گول نمی‌خورند و راه حق و صاحب حق را می‌یابند و از او اطاعت می‌کنند.»

امام باقر (ع) در این روایات، حج مردمی که در مراسم حج شرکت می‌کنند، و تنها به ظاهر آن اکتفا کرده و به معارف و رهبری خود اهمیت نمی‌دهند، حج جاهلیت نام گذاری می‌کند و حج راستین را حجی می‌داند که حج گزار وقتی به خانه و وطن و محل زندگی خود برمی‌گردد، نسبت به اصول عقاید و معارف خود شناخت جدیدی به دست آورده باشد. با رهبران راستین، دیدار و حلال و حرام خود را سؤال کرده با آنان تجدید بیعت کرده باشد.

۴. دسته چهارم از روایات، از حج به عنوان جهاد یاد کرده است. تعبیر از حج به جهاد، در روایات و در کنار هم قرار گرفتن آیات حج و جهاد^{۱۸} در قرآن بیانگر ارتباط و تناسب بین این دو دسته از آیات کریمه است و آن مناسبت بیان بُعد فرهنگی و تبلیغی حج است.

۵ پیامبر اسلام (ص) می‌فرماید: بهترین جهاد حجی است که پذیرفته شده باشد^{۱۹}.

۵ از پیامبر اکرم (ص) سؤال شد آیا برای زن جهادی است؟ آن حضرت فرمودند: بله. برای زنان جهادی است که در آن جنگ مطرح نیست و آن شرکت در مراسم حج است^{۲۰}.

۵ علی (ع) می‌فرماید:

حج، جهاد هر انسان ضعیفی است^{۲۱}.

این که در برخی از روایات حج، جهاد نامیده شده به خاطر تناسبی است که بین این دو وجود دارد، بدین شرح:

حج بسان جهاد است در آثار و اهداف، یعنی همانگونه که هدف از جهاد اسلامی رفع موانع تبلیغ و گسترش اسلام و دفاع از مستضعفین و ستمدیدگان و مبارزه با مستکبران و ستمگران است، در مواقعی که زمینه برای جهاد این گونه نیست، این اهداف بزرگ باید از راه شرکت در مراسم پرشکوه حج پی‌گیری شود و نقشه‌های جهاد عملی و وسائل ارتباط و نحوه همکاری مسلمانان با یکدیگر و موقف دفاع عملی آنان در برابر توطئه‌های دشمنان دین در همین موسم طرح ریزی شود.

امام امت (ره) در فرای از رهنمودهای پیامبر گونه خود (ذیحجه ۱۳۲۹) این ارتباط و تناسب را این گونه بیان می‌کند.

«... شما ای زائران بزرگوار بیت الله الحرام، که از چهارسوی عالم به طرف خانه خدا، مرکز توحید و محل وحی و مقام ابراهیم و محمد، دو

ایز مرد بت شکن و پر خاشاگر بر مستکبرین، شتافتید... هان بشناسید این مراکز بزرگ را و مجهز شوید از مرکز بت شکنی برای شکستن بت‌های بزرگ که به صورت قدرتهای شیطانی و چپاولگران آدم خوار درآمده اند. از این قدرتهای تھی از ایمان نهراسید و با اتکال به خدای بزرگ، در این مواقف عظیمه، پیمان اتحاد و اتفاق در مقابل جنود شرک و شیطنت ببندید و از تفرق و تنازع پرهیزید... بیاید به یک موعظه خداوند گوش فرادهید آنجا که می فرماید:

«قُلْ اِنَّمَا اَعِظُكُمْ بِوَاحِدَةِ اَنْ تَقُوْمُوا لِلّٰهِ مَثْنٰی وَفِرْدٰی...»

همه قیام کنید و برای خدا قیام کنید. قیام فردی در مقابل جنود شیطان باطن خودتان و قیام همگانی در مقابل قدرتهای شیطانی...

بنابراین، کنگره عظیم حج بهترین مکانی است که عالمان دینی باید، با آگاهی بخشی و ینشی که به مسلمانان جهان می دهند، آنان را برای مقابله با توطئه های دشمنان اسلام، دفاع از مرزهای خاکی و عقیدتی اسلام آماده کنند.

سیره پیامبر

همواره در طول تاریخ سلف صالح، پیامبر اسلام «ص» و ائمه معصومین «ع» و راهبران راستین، از این مراسم باشکوه بهره ها در جهت تبلیغ اسلام و دستورات حیات بخش آن برده اند و با اعمال و گفتار خود نشان داده اند که باید از این مجمع بزرگ، در جهت تبیین و تبلیغ

پیامبر اسلام

اسلام و دستورات آن و تبیین توطئه ها و ترفندهای دشمنان اسلام سود جست و مردم را علیه ظلم و ستم و دفاع از اسلام و مسلمانان به تحرک واداشت که به برخی از آنها در ذیل اشاره می کنیم:

اعلام برائت از مشرکان

اعلام پیام برائت از مشرکین، توسط علی «ع»، در منی به دستور پیامبر گرامی اسلام «ص»، در روز نهم ذیحجه سال نهم هجری،^{۵۲} شاهد و نمونه گویایی است که پیامبر «ص» از حج در جهت تبلیغ اسلام و اعلام حمایت از حق، و بیزاری از باطل و کفر و شرک استفاده کرده است. با توجه به اسوه بودن پیامبر اسلام «ص» و جهانی و جاودانی بودن دین اسلام، اعلام برائت از مشرکان در تمام زمانها و مکانها بر همگان واجب است و این سنت حسنه، منحصر به ایام حج نیست، هر چند که ایام حج، بهترین و مناسبترین مکان برای اعلام برائت از مشرکان و دشمنان دین اسلام است.

با نگاهی گذرا به پیامهای حج امام خمینی «ره» در می یابیم که آن بزرگوار اعلام برائت از مشرکان را از ارکان توحیدی و واجبات سیاسی حج دانسته و از مسلمانان جهان می خواستند که در ایام حج در تظاهرات اعلام برائت از مشرکان با صلابت و شکوه هر چه بیشتر شرکت کنند.

در سال دهم هجرت، پیامبر گرامی اسلام «ص» برای آموزش دستورات حج و بخشی از تعالیم اسلام که تا آن روز ناگفته مانده بود، عازم حج شد و از مسلمانان، جهت شرکت در حج، دعوت عمومی به عمل آورد. در این سفر، آن حضرت اعمال و مناسک حج را به وسیله گفتار و اعمال خود تعلیم داد و در عرفات خطبه‌ای خواند و برخی از تعالیم حیات بخش را تبیین کرد و توصیه‌های مختلفی به مسلمانان نمود.^{۵۳}

در کُتُب حدیث و تاریخ، از این سفر به نامهای: حجّة وداع، حج بلاغ، حج اسلام و حج تمام یاد شده است و هر کدام از این نامها روی مناسبی است. حج وداع بود؛ زیرا پیامبر، در آن سفر، با اشاره، پایان زندگی خود را اعلام کرد و با مردم وداع نمود. حج بلاغ بود؛ زیرا یک سفر تبلیغی بود و پیامبر در آن سفر دستورات و فرامین والائی را به مردم ابلاغ کرد. حج اسلام و تمام بود، زیرا آن حضرت در اثناء حج و پس از آن، دین اسلام، را کامل گرداند و نعمت را بر مردم با ابلاغ آیه:

«الیوم اکملت لکم دینکم...» تمام کرد. پس از آن که مراسم حج به پایان رسید، فرمان حرکت از جانب پیامبر «ص» صادر شد. در نزدیکی جحفه، که مردم متفرق می شدند، در سرزمینی به نام غدیر خم دستور داد مردم اجتماع کنند، تا پیام جبرئیل، را به مردم ابلاغ نماید:

«یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک من ربک وان

لم تفعل فما بلغت رسالتی»^{۵۴}.

آنچه از طرف خدا فرستاده شده به مردم ابلاغ کن و اگر ابلاغ نکنی رسالت خود را به پایان نرسانده‌ای.

پیامبر گرامی اسلام «ص» در آن اجتماع با شکوه، خطبه‌ای خواند و علی «ع» را به جانشینی خود معرفی کرد.

سیره ائمه

پس از پیامبر گرامی اسلام، حج همواره سرچشمه بسیاری از تحولات ثمربخش و جنبشهای آزادی بخش بوده است، بخصوص در دوران خلفای اموی و عباسی مسلمانان اصلاح طلب، در انتظار فرا رسیدن حج روز شماری می کردند، تا از اجتماع مسلمانان بهره‌برداری کرده و علیه خود کامگی خلفای جور اقداماتی اساسی و بنیادی انجام دهند. در این مراسم عظیم، ملت‌های مسلمان، به پرخاشگری و ستیزه‌جویی با حکام ظالم دعوت می شدند.

در این مورد، سخنان حسین بن علی «ع» را در روز مینا و هنگام حرکت به کربلا، به عنوان شاهد و نمونه ذکر می کنیم:

امام حسین «ع» کنگره حج را بهترین پایگاه برای رساندن پیام اسلام و خویش به شهرهای دور دست می داند و از این نقطه بارها برای ابلاغ پیام خویش استفاده کرده است از جمله:

امام حسین «ع»، در منی خطبه‌ای مفصل

در جمع علاقمندان و شخصیت‌های بزرگ، از زن و مرد، ایراد کرد و در آن به شدت از معاویه انتقاد کرد و از جمع حاضر خواست که پس از بازگشت حقیقت اهل بیت را برای مردم تشریح و تبیین کنند.^{۵۵}

و نیز آن حضرت، حج را مناسب‌ترین نقطه برای نهضت حیات بخش خود در برابر نظام و ستمگری‌های بنی امیه دانسته و حرکت خود را از آنجا آغاز می‌کند. آن حضرت پس از گرد آمدن تمامی مسلمانان حج گزار، از سراسر جهان اسلام، خطابه ای ایراد می‌کند و در آن خطابه، اسلام اموی و طرفداران و هواخواهان او را به مسلمانان، که در آن مراسم شرکت کرده بودند، معرفی کرده و مردم را به مبارزه و جهاد با یزید و هواخواهان او دعوت می‌نماید.^{۵۶}

این تنها حسین بن علی «ع» نیست که از این اجتماع عظیم بهره‌برداری کرده، بلکه همه ائمه «ع» از این مراسم بزرگ بهره‌برداری می‌نموده‌اند، که به نمونه‌ای چند از آن اشاره می‌کنیم:

امام محمد باقر «ع»، به فرزندش، امام جعفر صادق «ع» می‌فرماید:

«وقف لی من مالی کذا و کذا التواب تنند بنی عشر سنین بمنی ایام منی»^{۵۷}

از اموال من این مبلغ و این مبلغ را وقف کن برای مرثیه‌سرایان، تا ده سال، در منی، در ایام منی، که مسلمانان در آن جمعند، شهادت و اندوه مرا نوحه‌گری نمایند.

در این بیان امام محمد باقر «ع»، از مردم می‌خواهد که در مراسم حج و در جایی که مسلمانان از گوشه و کنار جهان گرد می‌آیند، مسأله رهبری و امامت اهل بیت را از راه سوگواری زنده نگهدارند. به عبارت دیگر، آن حضرت در صدد است که پس از خود حج گزاران از مراسم حج، در آگاهی و رشد سیاسی مردم و شناخت مردم نسبت به امامان شیعه و بازگو نمودن مصائب آنان استفاده نمایند و چهره‌گریه غاصبان ولایت و رهبری جامعه اسلامی را برای مردم بنمایانند.

امام صادق «ع»، در ایام حج، چادری نصب می‌کرد و دانشمندان بزرگ آن روز، به حضور آن بزرگوار شرفیاب می‌شدند و در ضمن بهره‌های علمی، راه و روش تبلیغات مذهبی و مناظره با مخالفان و مبارزه با مفاصد فکری و اجتماعی را از وی می‌آموختند.

از جمله: شاگردان امام صادق «ع» در همان چادر، با نظارت آن حضرت، مناظره‌ای طولانی را با یکی از افراد شامی و طرفدار اسلام اموی که مدعی بود: کلام، فقه، فرائض و... می‌داند شروع کردند و بر او پیروز شدند و او در نتیجه به حقیقت امام صادق «ع»، اعتراف کرد و جزو طرفداران اسلام راستین شد.^{۵۸}

امام صادق «ع»، در روز عرفه، با صدایی بلند می‌فرمود:

«ایها الناس ان رسول الله کان الامام ثم کان علی بن ابیطالب ثم الحسن ثم الحسين ثم

علی بن الحسین ثم محمد بن علی ثم «هه»
 فینادی ثلاث مرآت لمن بین یدیه وعن یمینہ
 وعن یسارہ ومن خلقہ اثنی عشر صوتاً...»^{۵۹}
 ای مردم، امام و رهبر مسلمانان، رسول خدا «ص»
 بود و پس از او علی بن ابیطالب «ع» و پس از او
 حسن و پس از او حسین و سپس محمد بن علی بن
 الحسین و سپس محمد بن علی و آن گاه، من.
 مجموعاً دوازده مرتبه این جملات را تکرار کرد.
 با توجه به آنچه از آیات و روایات و
 سیره پیامبر «ص» و ائمه معصومین «ع»
 ذکر کردیم، در اسلام هیچ پایگاهی برای
 تبلیغ اسلام زندگی ساز و تحرک آفرین
 و خنثی کردن تبلیغات سوء دشمنان اسلام،
 مانند مراسم حج نیست. حتی در شرائط فعلی
 که در ایران جمهوری اسلامی برقرار و امکانات
 تبلیغاتی فراوانی در اختیار است، باز هم کنگره
 حج از اهمیت ویژه‌ای در این جهت برخوردار
 است، زیرا رساندن پیام به مسلمانان کشورهای
 دور دست، مانند: کشورهای آفریقائی، آفزون بر
 تحمل هزینه‌های بسیار، به خاطر محدودیت‌های
 دیپلماسی از موفقیت بسیار کمی برخوردار است.
 ولی در مراسم حج، که نوعاً افراد متدین و
 متعهد از کشورهای اسلامی و از مسلمانان سایر
 کشورها گردهم می‌آیند و بدون این که آن
 گردهمایی هزینه‌ای را در بر داشته باشد، پیام
 اسلام را دریافت می‌کنند و به سرتاسر جهان
 اسلام و دیگر کشورها منتقل می‌سازند و چون در
 این کار، انگیزه مادی ندارند برای ابلاغ آن از

هیچ تلاشی فروگذار نمی‌کنند و هیچ قدرتی
 نمی‌تواند آنان را کنترل کند و از رساندن پیام
 منع کند؛ بنابراین، هیچ تشکیلات و دستگاه
 تبلیغاتی به اندازه این مراسم، برای مسلمانان سود
 و بهره تبلیغاتی و ارشادی ندارد، در صورتی که به
 دستورات اسلام، در این زمینه، عمل شود.

عنصر تبلیغی حج از نگاه عالمان و متفکران معاصر

متفکران اسلامی، برای بعد فرهنگی و
 تبلیغی حج اهمیت ویژه‌ای قائل بوده‌اند و مردم
 را در جهت استفاده از آن اجتماع بزرگ در ابعاد
 مختلف ارشاد و راهنمایی کرده‌اند. نمونه‌ای از
 دیدگاهها را در ذیل می‌آوریم:

۱. امام خمینی «ره» برگزاری مراسم حج،
 بدون تبلیغات و بدون برائت از دشمنان دین را حجتی
 صوری و بی محتوا، غیرمقبول دانسته و
 می‌فرماید:

«مسلمین باید... یک حج زنده، یک حج
 کویفنده، یک حجتی که محکوم کننده این
 شوروی جنایتکار و آن آمریکای جنایتکار باشد
 انجام دهند. یک همچو حجتی مقبول است.
 اگر ما حج برویم و مصالح مسلمین را در نظر
 نگیریم، بلکه برخلاف مصالح مسلمین می
 روی جنایتها پرده بیوشیم، نگذاریم مسلمین
 صحبت کنند از جنایتهایی که بر مسلمین
 می‌گذرد و از جنایتهایی که از حکومتها و
 قدرتهای بزرگ بر مسلمین می‌گذرد این حج

نیست، یک صورت بی معناست...»^{۶۰} .
۲. دکتر قرضاوی در کتاب «العباد فی الاسلام» می نویسد:

«بزرگترین نتیجه ای را که از این اجتماع می توان گرفت، این است که حج، مهم ترین عامل برای بیدار کردن امت اسلامی از خواب دیرینه است و به همین جهت، برخی از حکومت های دست نشانده و یا اشغالگر بلاد اسلامی، مانع از آن هستند که مسلمانان به زیارت خانه خدا بیایند، زیرا می دانند که اگر حرکتی در میان مسلمانان پا بگیرد، به هیچ عاملی نمی توان آنان را از این حرکت باز داشت.

۳. فرید وجدی در دائرة المعارف اسلامی در ماده حج می نویسد:

«فلسفه تشریح حج بر مسلمانان چیزی نیست که بتوان در این کتاب بیان کرد. آنچه که به ذهن خطور می کند این است که: اگر سران حکومت های اسلامی از این مراسم در جهت ایجاد و قدرت اسلامی بسان ملت های مسلمان بهره بگیرند، کاملاً به نتیجه می رسند، زیرا گرد آمدن ده ها هزار نفر از نقاط مختلف جهان در یک نقطه واحد و توجه دلها و قلبهای آنان به چیزی که در این نقطه به آنان القاء می شود، سبب می گردد که یک پارچه از آنچه گفته می شود متأثر گردند و همگی یک روح و یکدل به اوطان خود بازگردند و آنچه را شنیده اند و آموخته اند میان برادران خود تبلیغ کنند. مثل

این گروه مثل اعضای یک کنگره بزرگی است که از همه نقاط عالم در آنجا گرد آیند و پس از پایان یافتن کنگره، به اطراف جهان پخش شوند و حامل پیام کنگره گردند. اثر این کنگره عظیم هر چه باشد، اجتماع در این موقف و سپس تفرق در بلاد، همان اثر را دارد»^{۶۱} .

محتوای تبلیغ

با توجه به سیره عملی پیامبر «ص» و ائمه معصومین «ع» و گفتار آنان در مراسم حج، محتوای تبلیغ در آن مجمع بزرگ، باید به مقتضای زمان باشد و مسائل مورد نیاز مسلمانان در آنجا مطرح گردد. تکیه امام خمینی «ره» بر اجرای دستور برائت از مشرکان و استعمارگران بر همین اساس بود؛ چرا که مقابله با استعمارگران از نیازهای فوری این برهه از زمان است.

با توجه به نکته ای که ذکر شد، اولین و اساسی ترین مسؤلیت ما این است که: به مسلمانان جهان تفهیم کنیم که: حج واقعی کدام است؟ و چه بهره برداریهایی از آن باید بشود. اسلام راستین کدام است و حج ابراهیمی به چه معناست.

این بزرگترین رسالت و مسؤلیت متفکران و مسؤلان نظام جمهوری اسلامی است که یک تحول عظیم در رابطه با حج و دیگر ابعاد اسلام به وجود آورند و آن انحرافهایی که برای بی خاصیت کردن و بی محتوا کردن این مراسم شده از افکار و اذهان مسلمانان بزدایند. اگر ما

بتوانیم حج را در تمام ابعاد آن، معرفی کنیم در حقیقت اسلام ناب محمدی «ص» را با تمام ابعاد آن معرفی کرده ایم.

حال از چه روشهایی باید استفاده کرد؟

ابزارها و روشها می توانند متعدد باشد. این را نمی توان به راهپیمایی برانث از مشرکین و پخش اعلامیه ها و بیانیه ها و سخنرانی منحصر کرد، بلکه باید از هر راه ممکن استفاده نماییم: تماسهای مکرر با مسلمانان، به صورت دسته جمعی و فردی، بحث و گفتگو با علمای مسلمانان و دعوت آنان به وحدت در کنارخانه خدا، اعلام و تنفر از طاغوتها، برقراری روابط دوستانه با مسلمانان، طرح مشکلات جهان اسلام و چاره جویی برای آن، تبیین توطئه ها و ترفندهای دشمنان اسلام و راه مقابله با آن، دعوت به جهاد و قیام علیه مستکبران و ایادی خائن آنان و... از مسائلی است که باید در آن کنگره بدان پرداخته شود.

مناسبتهای مهم تاریخی

افزون بر مراسم و نهادهایی که دین برای تبلیغ و نشر معارف و فرهنگ غنی اسلام و پامخ گویی به شبهه ها و توطئه ها و... معین کرده است، مناسبتهای ویژه ای نیز در بین مسلمانان وجود دارد، از قبیل: عید مبعث، غدیر، ولادت پیامبر «ص» و ائمه اطهار «ع»، ماه مبارک رمضان، بویژه ایام و لیالی قدر و شهادت علی «ع»، ایام محرم، شهادت دیگر ائمه و...

مبلفغان اسلام می توانند از این گونه مناسبتهای تاریخی و مهم در جهت تبلیغ اسلام راستین و بیان مسائل لازم و ضروری بهره برداری نمایند و در هر مناسبت به مقتضای آن مطالب و مباحثی از مسائل اسلامی که مورد نیاز و در جهت آگاهی بخشیدن مردم مسلمان است به بحث و بررسی گذاشته و برای مردم تبیین و تشریح نمایند. چنانکه سیره سلف صالح نیز تاکنون بر همین بوده است.

اینک، در پایان این نوشتار، به برخی از مناسبتها، به عنوان تذکر و یادآوری، اشاره می کنیم.

۱. ماه مبارک رمضان

ماه مبارک رمضان، به لحاظ مناسبتهای تبلیغی گوناگونی که در آن وجود دارد، می توان گفت مناسبترین ماه برای تبلیغ دین است. در ماه مبارک، مسلمانان در سایه توجهات خاص خداوند، خود را بیشتر از سایر اوقات و ایام سال، مهیا برای پذیرش هدایتهای الهی می بینند. این حالت معنوی که از آثار روزه و برکات این ماه است، تأثیر موعظه و تبلیغ را چند برابر می نماید. از این روی، این ماه، بهترین موقعیت و مناسبترین فرصتی است که باید در جهت تبلیغ دین و گسترش پیام جهانی اسلام، از آن بهره جست.

بر مسؤولان تبلیغات و عالمان متعهد دین است که از این آمادگی مردم در جهت تبلیغ

دین، بیان احکام، معارف قرآن، استفاده جوینده؛ بویژه در جهت بازگرداندن کتاب خدا به جایگاه اصلی خود که متن زندگی مسلمانان است همت گمارزند و آن را از غربت درآورند و به عنوان کتاب هدایت بشر و وسیله کمال و ترقی انسانها معرفی نمایند.

از طرفی چون حادثه غمبار شهادت مولای متقیان علی «ع» در این ماه به وقوع پیوسته است، مناسبت مجالس سوگواری آن حضرت و شهبای قدر، بهترین و عالی ترین زمینه ای است که باید از آن نیز در جهت تبیین جایگاه بلند امامت و مقام والای امام و ضرورت وجود رهبری عادل در هر عصر و زمان و نیاز جامعه اسلامی و شناخت اصل مهم ولایت فقیه و محدوده آن، استفاده کرد.

و حکومت علوی را در بُعد سیاسی، اجتماعی، قضائی، فرهنگی، اقتصادی و سایر جهات، به مسلمانان شناساند و سیره آن حضرت را بازگو کرد.

۲. ماه محرم

ماه محرم، بویژه ایام عاشورا از مهمترین و مناسبترین مناسبتهای تبلیغی است که همواره مبلغان شریعت و حاملان رسالت و اندیشه و رانی که درد دین داشته اند، از این حادثه بزرگ و جانگداز و احساس برانگیز در جهت افشای حکومت ظالم اموی و زنده نگهداشتن مکتب حیاتبخش عاشورا و معرفی آن به جهانیان بهره

می جسته اند. بر اثر این فعالیتهای تبلیغی بود که حماسه بی نظیر کربلا به صورت مکتبی حیاتبخش و سیار و فعال در جهت معرفی اسلام و بیداری مسلمانان درآمد، تا آنجا که می توان گفت: اگر در میان شیعیان احکام و معارف اسلام، در این حد، رواج دارد و اگر ندای قرآن و دستورات شرع مقدس اسلام تا دورترین قراء، قصبات، روستاها و حتی در بین عشایر، جای خود را باز کرد، همه و همه، به برکت مجالسی است که به نام عاشورای حسینی برگزار می شود. این مجالس و مناسبتها نیز، در طول تاریخ، الهام بخش کسانی بوده است که در سر، اندیشه برقراری نظام اسلام و اجرای احکام و قوانین آن را در تمامی ابعاد داشته اند.

هر ندای حق طلبانه ای در بین مسلمانان، بویژه شیعیان، از این مجالس و از فرهنگ عاشورا مایه گرفته است، مانند: نهضت توأین، قیام مختار، قیام زید بن علی، نفس زکیه و در عصر ما، حضرت امام خمینی، در حرکت عظیم تاریخی خویش، بیشترین بهره را از عاشورا و ایام سوگواری گرفت.

به دنبال رهنمودهای آن امام عزیز بود که شعارها، نوحه ها و مجالس سوگواری جهت اصلی و واقعی خود را بازیافت و مبارزه با ظلم و طاغوت و جنایات یزید زمان مطرح گردید و عزاداری در خدمت حماسه و پیام عاشورا و تبلیغ دین قرار گرفت، تا به پیروزی خون بر شمشیر، و حسین زمان بر یزیدیان انجامید.

منشأ نقش تبلیغی محرم

این که محرم به عنوان ماه تبلیغ دین شناخته شد و همواره این نقش را ایفاء کرده است، از دو مسأله مهم و اساسی، نشأت گرفته است:

۱. وجود عنصر تبلیغ در متن قیام حسینی.

قیام ابا عبد الله الحسین «ع» قیامی بود بر ضد ارزشهای طاغوتی و نظام یزید و در جهت معرفی صحیح اسلام ناب محمدی «ص» که این معنا از روش و تاکتیکها و سخنان آن حضرت، در طی مسیر، به خوبی نمایان است.

وقتی سیدالشهداء از مدینه خارج شد، اهل بیت و کودکان و حتی کودک شیرخوار را با خود برد. این حرکت، به طور طبیعی، یک سوژه و تاکتیک مهم تبلیغاتی بود علیه دستگاه رعب آفرین و ضد اسلامی یزید و معرفی چهره واقعی اسلام.

از طرفی خروج سؤال برانگیز ایشان از مکه در روز ترویبه (هشتم ذیحجه الحرام که روز حرکت حجاج به طرف منی و عرفات است).

این حرکت، افکار عمومی را جلب کرد. این حرکت نابهنگام امام، که در جهت خنثی کردن حرکت مرموزانه حکومت علیه امام بود، چهره رژیم ضد مردمی یزید را بیش از پیش آشکار کرد. این کاروان، به صورت یک کاروان تبلیغی علیه حکومت درآمد و در جای جای مسیر حرکت به افشاگری پرداخت.

علاوه بر اینها، وصیت نامه و نامه هایی که حضرت، به اطراف و اکناف عالم اسلام، تمام،

دعوت به سوی حق و حقیقت و در واقع تبلیغ دین مبین اسلام بوده است.

در وصیت نامه ای که امام حسین «ع» به هنگام حرکت از مدینه، تسلیم برادر بزرگوارش، محمد حنفیه می کند، خود را به عنوان یک مصلح و به سامان آورنده اوضاع و شرائطی می داند که بر اثر حاکمیت طاغوت (یزید) به روز جهان اسلام آمده است و عامل به وظیفه الهی امریه معروف و نهی از منکر، که وظیفه هر مسلمانی است معرفی می کند.^{۶۲}

در نامه به بزرگان بصره می نویسد:

«... انا ادعوکم الی کتاب الله وسنة

نبیه...»^{۶۳}

بنابراین، در صورتی که در ماهیت نهضت حسینی، تبلیغ و معرفی صحیح اسلام راستین پایه ریزی شده باشد، باید هدف اصلی از اقامه مجالس سوگواری و گریه و... تعقیب هدف و انگیزه قیام حسینی، که همان احیای دین و مبانی شریعت پیامبر «ص» و در یک کلام، تبلیغ دیانت اسلام است، باشد.

۲. توصیه و ترغیب به سوگواری

احادیث فراوانی از ائمه معصومین «ع» در جهت توصیه و ترغیب به تشکیل مجالس سوگواری، ایجاد حالت غم و اندوه و گریه در خود و دیگران و اجر و پاداش برای گریه و گریانند رسیده است.

روایاتی که در این زمینه رسیده است، فقط به یک نمونه بسنده می‌کنیم.

عن ابی عبدالله الحسین «ع»:

«من دعت عینا فینا دمعة بقطرة اعطاه الله تعالی الجنة^{۶۴}».

هر کس در مصیبت ما (شهیدان کربلا) یک قطره اشک از چشمانش جاری شود خداوند به او، بهشت عنایت می‌فرماید.

بدون شک، هدف از این همه اصرار و توصیه و تشویق به برگزاری مجالس سوگواری، فقط برای رسیدن به ثواب و پاداش نبوده، بلکه منظور از توجه به آن، هدفتی بوده است که نهضت حسینی به دنبال آن بوده است؛ یعنی، تجدید حیات اسلام و تبلیغ دین و تشریح اصول و فروع شریعت و تکامل معنوی و آشنایی با شیوه و مبارزه با ظلم و ستمگران در طول زمان و شناساندن اسلام به صورت عینی و احیای امامت.

امام صادق «ع» به فضیل می‌فرماید:

«تجلسون وتحدثون، قال: نعم، جعلت فداک. قال: ان تلك المجالس احبها، فاحبوا امرنا یا فضیل فرحم الله من احب امرنا...»^{۶۵}

ای فضیل! آیا می‌نشینید و سخن از ما می‌گوئید. فضیل گفت: آری، فدایت گردم حضرت فرمود: این مجالس را دوست می‌دارم امر ما (ولایت و رهبری) را احیاء کنید. خدا رحمت کند کسی را که امر ما را احیاء کند.

گرچه از ظاهر روایت و به قرینه بعد آن، این

معنی استفاده می‌شود که منظور از احیاء، احیای مصائب و گرفتاریها و مظلومیت اهل بیت «ع» باشد، ولی آنچه از روایات دیگر و مواردی که شبیه به این روایت است، به دست می‌آید، منظور از احیای امر، احیای جنبه‌های مصیبت و عزاو سوگواری تنها نبوده، بلکه بیان محورهای اصلی دین که مسأله ولایت و امامت و جان‌نشینی اهل بیت و خلفای راستین پیامبر «ص»، از آن جمله است همچنین مسائل دیگری که موجب تقویت بنیه دین و آگاهی مردم می‌گردد.

در همین رابطه، امام خمینی، عاشورا و عزاداری را عامل حیات بقای دین معرفی کرده‌اند و مردم را به استفاده صحیح و درست از آن رهنمون شده‌اند:

«محرّم و صفر است که اسلام را نگهداشته است. فداکاری سیدالشهداء، سلام الله علیه، است که اسلام را برای ما زنده نگهداشته است... عزاداری به همان قوت خودش باید باقی بماند و گویندگان... مردم را مهیا کنند برای فداکاری. این خون سیدالشهداء است که خونهای ملت‌های اسلامی را به جوش می‌آورد. این دستجات عزیز عاشورا است که مردم را به هیجان می‌آورد و برای اسلام و برای حفظ مقاصد اسلامی مهیا می‌کند... علاوه بر این که مسائل روز را می‌گویند، مسائل اخلاقی و مسائل اعتقادی و این مسائل تهذیب نفس را به مردم بگویند و مردم را هدایت کنند و مردم را به این مسائل اسلامی آشنا کنند...»^{۶۶}

بتابراین، استمرار حیات اسلام و نهضت اسلامی و استقامت در برابر دنیایی از دشمن، مرهون قیام عاشورای حسینی و اهداف بلند آن است و تا خون عاشوراییان در رگهای امت اسلامی بجوشد و حماسه حیاتبخش حسینی در قلبها زنده باشد و مجالس سوگواری و مناسبتهای تاسوعا و عاشورا حافظ ارزشها و پایگاه تبلیغ آن باشد و تا الگوی پیام علیه ظلم و ستم و صبر و تلاش و فداکاری در راه اسلام، از عاشورا گرفته شود، اسلام زنده است و انقلاب نیز پایدار خواهد ماند و به حیات فیض بخش خویش ادامه خواهد داد.

اعیاد، وقیات

مراسم عید و اقامه ماتم و سوگواری، در میان اقوام و ملل و ادیان و مذاهب، در طول تاریخ، با کیفیتهای گوناگون وجود داشته و مرسوم هر قوم و ملتی بوده است. بدین معنی که روزهای ویژه ای از ایام سال را به عنوان عید و مناسبتهایی را به خاطر سوگواری و عزا، گرامی می شمردند، تا یادآور پیروزیها و ارزشها و عظمت آن ایام و مناسبتها باشد.

در اسلام هم، یک ایام مبارکی وجود دارد که مسلمانان، به بزرگداشت آن ایام، از طرف پیشوایان دین، تشویق و ترغیب شده اند. مسلمانان بر طبق عقاید دینی و فرهنگ ملی خود، بدون هیچ گونه دعوت قبلی و صرف بودجه، با عشق و علاقه خاصی در مجالسی که به عنوان این ایام مبارک برگزار می شود شرکت می کنند.

این تجمع مردم مسلمان و عشق و ارادت آنان، بهترین فرصت و زمینه ای است که می تواند در جهت تبلیغ و گسترش ارزشهای اصیل دین از آن استفاده نمود و در جهت وحدت و اعتلای کلمه توحید، مردم را بسیج کرد.

این اجتماعات، مناسبترین مرکز برای شناخت زندگانی بزرگان دین و اسوه های جهاد و مبارزه و تقوی و فضیلت است که متأسفانه به این موضوع کم توجه شده است.

مبلغان دین، باید از این مجامع، در جهت تبیین و تشریح سیره و روش علمی ائمه (ع) و بزرگان دین بهره برداری نمایند و مردم را آگاه سازند.

اکنون که به توفیق خداوند و ایشار ملت قهرمان ایران، با رهبری پیامبرگونه حضرت امام خمینی، قدس سره، مراکز تبلیغ و مراسم در اختیار صاحبان اصلی آن؛ یعنی، عالمان متعهد و حوزه های علمیه قرار گرفته است، باید با تشکیلات و برنامه ریزی دقیق، از مسجد و محراب، مگه و منی، اعیاد و وقیات برای شناساندن اسلام اصیل، اسلام رسول الله (ص) و استحکام پایه های انقلاب اسلامی و تداوم آن بهره برداری کنیم.

والسلام

۱. «سوره فصلت»، آیه ۹.

۲. «سوره عنکبوت»، آیه ۱۸.

۳. «سوره حجر»، آیه ۹.

۴. «سوره توبه»، آیه ۱۷؛ «سوره جن»، آیه ۱۸؛ «سوره

بقره»، آیه ۱۰۸؛ «سوره حج»، آیه ۴۰.

۵. «وسائل الشیعه»، ج ۳/۴۷۷ به بعد.
۶. «همان مدرک»، ج ۳/۴۸۰.
۷. «همان مدرک»، ج ۳/۸۶.
۸. «سیره حلبی»، ج ۳/۲۳۹.
۹. «صحیح بخاری»، ج ۱ کتاب العلم.
۱۰. «فتاحه العلوم»، ۱۹/.
۱۱. «منیة المرید»، ۵/.
۱۲. «فتوح البلدان»، ۷۱/، ۷۸، ۹۵، ۲۴۳.
۱۳. «رجال نجاشی»، ۳۱/.
۱۴. «الیدرأ الزاهر فی صلاة الجمعة والمسافر»، ۵۳.
۱۵. «صحیفة نور»، ج ۶/۴۹/مورخه ۵۸/۲.
۱۶. «داستان راستان»، ج ۱/۱-۲.
۱۷. «سورة توبه»، آیه ۱۸.
۱۸. «سورة توبه»، آیه ۱۷.
۱۹. «سورة توبه»، آیه ۱۰۷.
۲۰. «صحیفة نور»، ج ۱۲/۱۴۹.
۲۱. «بیانات امام خمینی، قدس سره»، ۲۰/۴۵۸.
۲۲. «وسائل الشیعه»، ج ۵/۲-۳.
۲۳. «همان مدرک»، ۴-۵.
۲۴. ۲۵ و ۲۶. «جامع احادیث الشیعه»، ج ۶/۶۸.
۲۷. «وسائل الشیعه»، ج ۵/۱۵.
۲۸. «همان مدرک»، ۱۶/.
۲۹. «وسائل الشیعه»، ج ۵/۴۰.
۳۰. «همان مدرک»، ۴۰/.
۳۱. «تحریر الوسیله»، ج ۱.
۳۲. «کنز العمال»، ج ۷/۲۱۱۳۵ «وسائل الشیعه»، ج ۵/۶.
۳۳. «دعائم الاسلام»، ج ۱/۱۸۰ «وسائل الشیعه»، ج ۵/۴.
۳۴. «المیزان»، ج ۶/۲۳۵.
۳۵. «وسائل الشیعه»، ج ۶/۱۳۶ «علل الشرایع»، ۳۹۸.
۳۶. «سورة حج»، آیه ۲۷.
۳۷. «الشریعه والعقیده»، ۱۵۱/.
۳۸. «سورة آل عمران»، آیه ۹۶.
۳۹. «وسائل الشیعه»، ج ۸/۹.
۴۰. «همان مدرک»، ج ۸/۹.
۴۱. «نهج البلاغه»، کلمات قصار، ۲۵۲.
۴۲. «همان مدرک»، خطبه اول.
۴۳. «لسان العرب».
۴۴. «کافی»، ج ۴/۲۷۱ «علل الشرایع» ۲۹۶/؛ «وسائل الشیعه»، ۸/۱۴.
۴۵. «احتجاج»، ج ۱/۱۳۱-۱۴۱ «شرح نهج البلاغه»، ابن ابی الحدید، ج ۱۶/۲۱۱.
۴۶. «اصول کافی»، مترجم، ج ۲/۲۳۸.
۴۷. «همان مدرک».
۴۸. «سورة حج»، آیه ۲۷، ۳۳، ۳۸، ۴۱.
۴۹. «التاج الجامع للاصول»، ج ۲/۱۰۶-۱۰۷.
۵۰. «همان مدرک».
۵۱. «نهج البلاغه»، کلمات قصار، ۱۳۶.
۵۲. «سیره ابن هشام»، ج ۴/۱۹۰ به بعد؛ «فروع کافی»، ج ۱/۳۲۶ «تفسیر طبری»، ج ۱۰/۴۷.
۵۳. «بحار الانوار»، ج ۲۱/۳۱۹-۴۰۵ «خصال شیخ صدوق»، ج ۲/۸۴.
۵۴. «سورة مائده»، آیه ۶۶.
۵۵. «کتاب سلیم بن قیس»، ۱۶۸.
۵۶. «تحف العقول»، ۴۲.
۵۷. «وسائل الشیعه»، ج ۱۲/۸۸.
۵۸. «اصول کافی»، ج ۱/۱۷۱.
۵۹. «فروع کافی»، ج ۶/۴۶۶.
۶۰. «از بیانات امام در دیدار یار و یاروتیان کاروانهای حج» مورخه ۲۶/۵/۶۱.
۶۱. «دائرة معارف القرن العشرين»، ج ۳/۳۵۰.
۶۲. «مقتل الحسین»، خوارزمی، ج ۱/۱۸۸.
۶۳. «تاریخ طبری»، ج ۴/۲۶۶.
۶۴. «دعوة الحسینة الى مواهب الله السنية»، ۱۳۶.
۶۵. «نفس المهموم»، مقدمه.
۶۶. «صحیفة نور»، ج ۱۵/۲۰۴، ۲۰۵.
۶۷. «بزرگداشتها در اسلام»، ۲۷/.